

کلاس آموزش زبان و محیط دیجیتال؛ باز نمودهای اجتماعی و استفاده‌های غالب نزد دانشجویان

اکبر عبداللهی^۱ (استادیار آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران، نویسنده مسئول)

لطیفه نجاتی (کارشناسی ارشد آموزش زبان فرانسه دانشگاه تهران)

چکیده

امروزه جایگاه و اهمیت تکنولوژی‌های آموزشی و محیط دیجیتال در امر آموزش، غیرقابل انکار به نظر می‌رسد. مهم، شناسایی و آگاه بودن به ابعاد مختلف آموزشی فن‌آوری‌های نوین ارتباطی و معرفی آن به معلم و دانشجوی امروز می‌باشد. تحقیقات انجام شده در این زمینه نیز ضرورت توجه به این مفهوم را نمایان می‌کند. به نظر می‌رسد، قبل از هر چیز، باید ذهن مخاطب اصلی این ابزار، یعنی فراگیران و آموزگاران را برای پذیرش و کاربرد کردن تکنولوژی‌ها در روند یادگیری و یاددهی خویش آماده کرد. در نتیجه گام اول، شناسایی نوع نگاه، میزان آگاهی، علاقه و یا عدم علاقه آنان به این ابزار است. در این پژوهش با تمرکز بر باز نمودهای اجتماعی زبان‌آموزان از محیط دیجیتال به رابطه بین استفاده‌های غالب دانشجویان و تأثیر آن بر ایجاد توانایی خوداتکایی نزد آنان پرداخته‌ایم. درصددیم تا نشان دهیم باز نمودهای اجتماعی دانشجویان بر استفاده‌های آنان از تکنولوژی‌های آموزشی تأثیر فراوانی داشته و نوع استفاده از این تکنولوژی‌ها نقش مهمی در ایجاد خوداتکایی نسبی در یادگیری دانشجویان دارد. جامعه آماری پژوهش، تعدادی از دانشجویان زبان‌های خارجی دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران می‌باشد. اطلاعات لازم نیز از طریق مصاحبه با دانشجویان جمع‌آوری شده و با روش کیفی مورد تحلیل قرار می‌گیرند. همچنین در پایان، یک دسته‌بندی کلی از استفاده‌های غالب آموزشی دانشجویان از محیط دیجیتال ارائه می‌گردد. این مقاله می‌کوشد تا بتواند با

ارزیابی شرایط موجود، نقاط قوت و ضعف جایگاه محیط دیجیتال را شناسایی کرده و به‌عنوان گام نخست، راه را برای تحقیقات بعدی و ارائه الگوهای مناسب آموزشی هموار کند.

کلیدواژه‌ها: محیط دیجیتال، تکنولوژی آموزشی، بازآموزی‌های اجتماعی، خوداتکایی، آموزش زبان.

مقدمه

امروزه تحقیقات بینارشته‌ای (Etudes interdisciplinaires) در جهت ارتقای سطح کمی و کیفی علوم موجود، جایگاه و اهمیتی غیرقابل‌انکار دارد. این واقعیت در زمینه علوم انسانی، نقش وسیع‌تر و عمیق‌تری را ایفا می‌کند. فضای دیجیتال و تکنولوژی‌ها نیز از جمله مفاهیمی است که توجه سایر علوم را به خود جلب کرده و بستر انواع پژوهش‌های بینارشته‌ای را ایجاد نموده است. در این میان، فن‌آوری‌های نوین آموزشی، که با اصطلاح تکنولوژی‌های آموزشی شناخته می‌شود با توجه به رابطه نزدیک آن با آموزش زبان، در کانون توجه قرار گرفته است. آنچه که تمرکز بر روی تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در امر آموزش زبان را اجتناب‌ناپذیر می‌کند، از طرفی وسعت فراگیری تکنولوژی‌ها و نقش غیر قابل‌انکار آن‌ها در زندگی روزمره بشر امروز بوده و از طرف دیگر ماهیت ارتباطی یادگیری زبان می‌باشد چراکه تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، نقش بسترسازی را برای شکل‌گیری ارتباط در عصر حاضر ایفا می‌کنند.

سیر تحول موضوع مورد واکاوی در این مقاله خود گویای اهمیت پرداختن به محیط دیجیتال خواهد بود. آنچه را که در وهله اول به‌عنوان تکنولوژی‌های آموزشی مورد بررسی و توجه قرار دادیم، تأثیر نرم‌افزارها و بازی‌های آموزشی در آموزش زبان فرانسه و به‌طور خاص آموزش دستور زبان (Grammaire) بود. در مرحله بعد، طبق شناسایی‌های انجام شده، به این نتیجه رسیدیم که کارهایی که برای آموزش لغات (Vocabulaire) انجام شده، خیلی بیشتر و متنوع‌تر از تحقیقات و فرآورده‌های آموزشی‌ای است که دستور زبان را هدف کار قرار داده است، در نتیجه توجه ما به سمت لغات جلب شده و تصمیم گرفتیم تأثیر بازی‌ها و نرم‌افزارهای موجود را بر یادگیری لغات ارزیابی کنیم. به دلیل محدودیت نرم‌افزارها و بازی‌های موجود در ایران، توجه این پژوهش، در نهایت، به

سمت استفاده از محیط دیجیتال توسط دانشجویان معطوف شد. با توجه به معیارهای مدنظر در انتخاب تکنولوژی‌های مورد بررسی، نهایتاً موضوع کنونی یعنی محیط دیجیتال، شامل تلفن همراه هوشمند، تبلت و لپ‌تاپ انتخاب گردید.

با توجه به گستردگی و تنوع استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی، آنچه که در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت، محدود به مطالعه استفاده دانشجویان این دانشکده از محیط دیجیتال تهران و تأثیر این محیط بر روی یادگیری زبان آن‌ها می‌باشد. رویکرد اتخاذی، جمع‌آوری بازنمودهای اجتماعی دانشجویان نسبت به محیط دیجیتال در دسترسشان و استفاده و یا عدم استفاده آن‌ها از امکانات حاصل از این محیط در نظر گرفته شده است. در واقع، گام اول در استفاده از تکنولوژی‌های آموزشی، خودآگاهی و مطالعه شرایط موجود می‌باشد؛ چراکه قبل از اینکه هر نوع کارکردی برای زبان‌آموز توصیه شود، لازم است سطح آگاهی، نوع نگاه و استفاده‌های موجود کنونی از تکنولوژی‌های در دسترس، بررسی شده و بعد از شناخت نسبی شرایط کنونی، برای طراحی و اجرای گام‌های بعدی برنامه‌ریزی کرد.

در مسیر استفاده دانشجویان رشته‌های زبان‌های خارجی از محیط دیجیتال این مقاله درصدد است تا به جمع‌آوری و تحلیل بازنمودهای اجتماعی دانشجویان نسبت به محیط دیجیتال پرداخته و گزارشی از وضعیت محیط دیجیتال در امر آموزش زبان در جامعه آماری خود ارائه دهد. پرسش‌های اصلی پیش روی این تحقیق عبارت‌اند از چگونگی بازنمودهای اجتماعی دانشجویان نسبت به محیط دیجیتال و همچنین چگونگی ارائه دسته‌بندی از استفاده‌ها و قابلیت‌های آموزشی‌ای از محیط دیجیتال که، دانشجویان را به سمت خوداتکایی در یادگیری زبان سوق می‌دهد. با توجه به پرسش‌های مطرح شده، فرضیه‌هایی نیز در نظر گرفته شده که این پروژه به دنبال اثبات و یا رد آن‌ها به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها خواهد پرداخت. ما تنوع قابل ملاحظه‌ای را در بین بازنمودهای دانشجویان نسبت به محیط دیجیتال پیش‌بینی می‌کنیم که دلایل این تنوع شناسایی و واکاوی خواهد شد. از طرف دیگر، رسیدن به استفاده‌های غالب و مشترکی از امکانات محیط دیجیتال در بین دانشجویان نیز مفروض می‌باشد.

در بخش اول این مقاله، به توضیح مبانی نظری مفاهیم مرتبط با موضوع مورد پژوهش می‌پردازیم. مفاهیمی همچون بینش اجتماعی، تکنولوژی آموزشی، خوداتکایی و یادگیری الکترونیکی معرفی

خواهند شد. در بخش دوم به پیشینه تحقیقاتی این موضوع پرداخته و در قسمت بعد روش گردآوری داده‌ها، و هدف انتخاب پرسش‌های مصاحبه، همچنین پرسش‌ها و فرضیه‌های تحقیق مطرح می‌گردند. در بخش بعدی این مقاله، به تحلیل داده‌های حاصل از تحقیق میدانی صورت گرفته خواهیم پرداخت. به علت استفاده از روش کیفی، حین تحلیل داده‌های به دست آمده، برخی از پاسخ‌های مصاحبه شوندگان نیز ذکر خواهد شد. در پایان، با در نظر گرفتن داده‌های حاصل، نوعی گزارش دسته‌بندی‌شده و چندجانبه از جایگاه محیط دیجیتال در این دانشکده ارائه می‌گردد.

پیشینه تحقیق

تکنولوژی آموزشی با قدمتی نه‌چندان طولانی، مورد بحث و بررسی محققین زیادی قرار گرفته است. فراگیر بودن، سهولت در دسترسی و به‌صرفه بودن، از جمله عواملی است که باعث ایجاد رغبت برای پژوهش در رابطه با تکنولوژی‌های آموزشی شده و در این میان، تحقیقات فراوانی برای کاربردی شدن تکنولوژی‌های آموزشی در امر یادگیری زبان نیز صورت گرفته است. اینترنت، رایانه و تبلت از جمله تکنولوژی‌هایی بوده که بیشترین حجم تحقیقات را به خود اختصاص داده است که هرکدام از این تحقیقات می‌توانند ما را در عمیق‌تر و موثقی‌تر شدن روند و نتایج حاصل از این پروژه یاری کنند. آنچه که در تحقیقات انجام شده تاکنون قابل دسته‌بندی است، تحقیقاتی است که یا تمرکز را روی جنبه نظری تکنولوژی‌های آموزشی قرار داده (بدرقه، ۱۳۸۵) و (زورکی و همکاران، ۱۳۹۲) و یا با ارائه برنامه‌های اجرایی و کاربردی، تأثیر برخی از تکنولوژی‌ها را در امر آموزش تحلیل کرده‌اند که از این دسته نیز می‌توان به تحقیقاتی همچون مقاله ادغام تکنولوژی‌های آموزشی و یادگیری آموزش، رویکردی نظام‌مند (Bangou, 2006) و یا مقاله تحلیل داده‌ها در یادگیری مستقل زبان دوم در محیط چندرسانه‌ای (Duquette, 2002) اشاره کرد.

مین هونگ هو نیز تأثیر دنیای دیجیتال در فرآیند یادگیری را بررسی کرده و گزارشی را از جایگاه ابزاری همچون رایانه و تلفن همراه در امر آموزش در اروپا ارائه می‌دهد. بر اساس تحقیقات انجام شده در این مقاله اکثر فراگیران، استفاده از این ابزار را منحصراً در منزل ترجیح می‌دهند. علاوه بر این، نقش سرگرمی آفرینی این تکنولوژی‌ها به‌عنوان کاربرد غالب در بین شاگردان مشاهده شده است.

مدرس و دادن آموزش‌های لازم به او نیز از جمله عواملی است که می‌تواند باعث افزایش گرایش به استفاده آموزشی از رایانه و تلفن همراه به‌ویژه در کلاس درس شود (Ho, 2014: 56).

وجه تمایز پروژه پیش رو با تحقیقات انجام شده این است که این پروژه در صدد تلفیق دو وجه ذکر شده می‌باشد؛ بعد از ذکر مبانی نظری مرتبط، در جنبه عملی، به جمع‌آوری بینش‌های اجتماعی دانشجویان کفایت کرده و به مطالعه جایگاه موجود تکنولوژی‌های آموزشی از نظر قالب‌های استفاده و میزان آگاهی و شناخت دانشجویان با انواع آن‌ها می‌پردازد. در واقع، بجای ارائه قالب‌های جدید و بررسی نتایج کاربردی شدن این قالب‌ها در جامعه آماری مورد نظر، سعی ما بر این است که قبل از هر چیز، جایگاه تکنولوژی‌های آموزشی را در جامعه آماری خود، بررسی و معرفی کرده تا بتوان با شناختی عمیق‌تر و علمی‌تر به گام‌های بعدی، همچون ارائه قالب‌های عملی پرداخت.

چارچوب نظری

برای واکاوی صحیح داده‌های این پژوهش و تحلیل آن‌ها، آشنایی با بعضی مفاهیم و اصطلاحات ضروری به نظر می‌رسد که در این قسمت از مقاله به معرفی اجمالی آن‌ها می‌پردازیم. ما برای بررسی دقیق نوع نگرش دانشجویان به محیط دیجیتال از مفهوم بازنمودهای اجتماعی کمک گرفتیم. به تکنولوژی آموزشی، علمی که بیشترین ارتباط را با موضوع این مقاله دارد به اشاره شده و یادگیری همراه نیز گرایشی که مستقیماً ابزار الکترونیکی همراه را هدف پژوهش قرار داده است به‌اختصار تعریف می‌گردد. در این راستا یادگیری الکترونیکی هم که مکمل مفاهیم مذکور است ارائه می‌شود. از آنجایی که رسیدن به خوداتکالی به کمک محیط دیجیتال یکی از فرضیه‌های پژوهش است، به این موضوع نیز در این قسمت پرداخته می‌شود.

بازنمودهای اجتماعی (Représentations sociales): از نظر فلمان بازنمودهای اجتماعی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: "مجموعه‌ای سازمان‌یافته از شناخت نسبت به یک شیء که این نوع شناخت در بین اعضای یک جامعه همگن، به‌صورت مشترک وجود دارد." (Flament 1994: 37-58) در واقع، ماهیت بازنمودهای اجتماعی کمک به تک تک افراد جامعه است تا بتوانند به احساس خود نسبت به اشتراکات جامعه فکر کرده و آن‌ها را برای خود، بسته به سلیقه شخصی، نوع نگاهشان

به زندگی و دیگر عوامل مؤثر، باز تعریف کنند. بازنمودهای اجتماعی کمک می‌کند تا فرد قدم به قدم، این شناخت‌های مشترک در حال نزاع و تغییر را دریافت کرده و باور نماید. بازنمودهای اجتماعی همانند نوعی استراتژی عمل می‌کند که فرد با استفاده از آن می‌تواند مفاهیم آشنا و مشترک را از غیر تشخیص داده و بسته به نیازش آن‌ها را تغییر داده، تقویت و یا تضعیف نماید.

(Cavallo, Lannaccone, 1993: 153)

تکنولوژی آموزشی ('TICE: technologies d'information et communicationd')

(enseignement/ apprentissage): برای تبیین تکنولوژی آموزشی، از همان ابتدای شکل‌گیری این رشته، به‌عنوان شاخه‌ای از علوم، تاکنون تعریف جامع و واحدی ارائه نشده است. در واقع، نظریه‌پردازان مختلف، با توجه به نگاهشان به این علم و هدفی که از به‌کارگیری آن دنبال می‌کرده‌اند، تعاریف متعددی را بیان داشته‌اند. (زنگنه، ۱۳۹۱: ۸۴) در این میان، تعاریفی نیز مطرح شده است که از علم واژه‌شناسی کمک گرفته و به شناختن ریشه این اصلاح می‌پردازد. آنچه که مسلم است تکنولوژی از واژه *technologia* گرفته شده که این واژه نیز از ریشه دو واژه *techno* به معنای هنر و فن و *logos* با مفهوم تبیین و استدلال گرفته شده است. با این توضیحات، واژه مذکور در معنای هرگونه مهارت عملی قابل تعریف است. (فردانش، ۱۳۸۷: ۱۰) بنابراین تکنولوژی آموزشی را می‌توان "بکارگیری یافته‌های علمی مرتبط با حیطه آموزش، رسانه‌های آموزشی و علوم ارتباط برای تسهیل و تثبیت یادگیری" تعریف کرد. (زنگنه، ۱۳۹۱: ۸۶)

خوداتکایی (Autonomie): بر طبق رویکرد ارتباطی (Communicative)، توانایی خوداتکایی

در یادگیری زبان به معنای این است که فراگیر زبان بتواند به مفاهیم موجود، قالب درست و متناسب بدهد و درنهایت، خود فرد بتواند مسئولیت یادگیری خویش را به عهده بگیرد. اهمیت یادگیری مستقل از سه منظر قابل بررسی می‌باشد. اول به دلایل انسانی، به این معنی که باید به استقلال انسانی فراگیران ارزش داده شود. از این منظر، خوداتکایی در یادگیری زبان به این معناست که به او آزادی داده و او را از وابستگی در یادگیری به دیگران برهانیم. دومین مورد، دلایل آموزشی است، با این هدف که فراگیر را مسئول یادگیری خودش معرفی کنیم. آخرین منظر نیز، جنبه اقتصادی موضوع

است که تقویت توانایی خودتکایی این کمک را به جامعه می‌کند که هزینه کمتری برای تشکیل کلاس و دوره آموزشی بپردازد. (Narcy_Combes, 2005: 91-92)

یادگیری الکترونیکی (Apprentissage électronique): این اصطلاح آموزشی، که گاهی از آن به آموزش از راه دور (EAD: enseignement à distance) نیز تعبیر می‌شود، ناظر به بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی، در جهت تسهیل امر یادگیری بوده که آموزش از راه دور می‌تواند تنها بخشی از آن را تشکیل دهد. آموزش از راه دور، در واقع "ارائه و مدیریت فرصت‌های یادگیری است که از طریق کامپیوتر، تکنولوژی‌های شبکه‌ای و تکنولوژی‌های متکی بر وب حمایت می‌شود تا به عملکرد و پیشرفت افراد کمک کند." (پلارد، ۱۳۸۸: ۱۰) هرچند ابزاری همچون رایانه، به میزان قابل توجهی جایگاه خود را در امر آموزش پیدا کرده است و فراگیران و معلمان به اهمیت و کارکردهای آموزشی این ابزار تا حد زیادی واقف هستند، اما به نظر می‌رسد که دیگر تکنولوژی‌های در دسترس، آن‌چنان که باید مورد توجه واقع نشده و از قابلیت‌های دیگر فناوری‌ها در امر یاددهی و یادگیری استفاده قابل قبولی نمی‌شود.

یادگیری همراه (Apprentissage mobile): یادگیری همراه، گرایشی نوظهور از مطالعات تکنولوژی آموزشی است که به بررسی تأثیر ابزاری چون تلفن همراه و رایانه همراه بر روی یادگیری می‌پردازد. از نظر عده‌ای از محققین، یادگیری همراه استفاده کردن از ابزار الکترونیکی در جهت تسهیل یادگیری می‌باشد. درحالی‌که از منظر عده‌ای دیگر، این واژه به فرآیند گفت‌و شنودی اطلاق می‌شود که در بافت‌های زبانی گوناگون و به کمک ابزار الکترونیکی قابل حمل، به صورت تعاملی صورت می‌گیرد (Mian, 2012:64). یادگیری همراه به‌عنوان مسیر پیش روی دانشجویان و دانش‌آموزان نسل جدید پیش‌بینی می‌شود (Droui, El Hajjami, Ahaji, 2015: 1). بدین ترتیب ارزش و جایگاه استفاده از تکنولوژی‌های همراه در خدمت یادگیری و یاددهی امری بدیهی و غیر قابل انکار به نظر می‌رسد (Wagner, 2005:42).

روش پژوهش

قبل از وارد شدن به بررسی و تحلیل داده‌های حاصل از این پروژه به معرفی اجمالی جامعه آماری این تحقیق و روش اجرایی شدن آن می‌پردازیم. در همین راستا در ابتدا اعضای شرکت‌کننده

در این تحقیق، تخت عنوان نمونه‌ها معرفی شده و در ادامه به روش جمع‌آوری داده‌ها، که در اینجا مصاحبه می‌باشد، پرداخته و به چرایی و سیر سؤالاتی که در این مصاحبه جای گرفته است می‌پردازیم. تمامی سؤالات مطرح شده و مشخصات کامل تمامی مصاحبه‌شوندگان در پیوست این مقاله ذکر می‌گردد.

نمونه‌ها

مصاحبه‌های انجام شده در آذر ماه و دی ماه ۱۳۹۳ در دانشکده زبان‌ها و ادبیات خارجی دانشگاه تهران صورت پذیرفته است. طبق نیاز این پروژه می‌بایستی با سه نفر از دانشجویان هر زبان موجود در دانشکده و مجموعاً با بیست و چهار نفر مصاحبه صورت پذیرد. از آنجایی که هشت زبان آلمانی، اردو، اسپانیولی، انگلیسی، ایتالیایی، روسی، ژاپنی و فرانسه رشته‌های موجود در این دانشکده می‌باشند و تلاش بر این بوده که دانشجویان از تمامی رشته‌های مذکور، در سال‌ها مختلف تحصیلی و در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد در این مصاحبه شرکت داشته باشند، در همین راستا از هر رشته آموزشی، سه نفر در مصاحبه حضور داشته‌اند که مجموعاً جامعه آماری ما شامل بیست و چهار نفر از دانشجویان تمامی رشته‌های دانشکده بوده است.

شیوه انجام پژوهش

بر اساس هدف این پروژه، روش جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز، مصاحبه با دانشجویان بوده است. در مجموع، دانشجویان می‌بایست به نه سؤال مصاحبه، با توجه به زبان مورد مطالعه خود و ویژگی‌های خاص آن زبان پاسخ دهند. رویکرد مورد اتخاذ در مصاحبه‌های انجام شده، مصاحبه نیمه مستقیم (Semi-directive) بوده است. بنابراین بسته به نوع پاسخ دانشجویان، در بعضی مصاحبه‌ها، بیشتر از نه سؤال و در بعضی دیگر کمتر از این میزان مطرح شده است. داده‌های جمع‌آوری شده با روش کیفی ارائه و مورد تحلیل قرار گرفتند. با توجه به پرسش‌های اصلی پیش رو در این تحقیق، جواب‌های متنوع و گهگاه متفاوت مصاحبه‌شوندگان مطرح شده و در نهایت، در راستای اثبات و رد فرضیه‌های تحقیق، نتیجه‌گیری خواهد شد.

با توجه به دو پرسش اصلی این تحقیق یعنی چگونگی نوع نگرش دانشجویان به محیط دیجیتال و انواع استفاده آن‌ها از این محیط به منظور رسیدن به خوداتکایی، در یک دسته‌بندی کلی می‌توان

چرایی و هدف کلی از مطرح کردن تک تک سؤالات مصاحبه را این گونه تعریف کرد: نخستین پرسش‌ها در وهله اول جنبه معرفی و ایجاد آمادگی مخاطب برای وارد شدن به سؤالات اصلی را دارد، که در کنار این هدف، میزان آشنایی فرد با زبان مربوطه و نوع نگاه او به این زبان می‌تواند با در نظر گرفتن جواب سؤالات بعدی معنادار باشد. در مرحله بعدی مصاحبه، دانشجو با پاسخ به سؤالات شماره سه و چهار، بدون هیچ گونه ذهنیتی نسبت به هدف این مصاحبه، به میزان استفاده خود از محیط دیجیتال برای یادگیری زبان اشاره کرده و با ذکر موارد استفاده، نوع به‌کارگیری خود از محیط دیجیتال را تصریح می‌نماید. در سال شماره پنج، به مسأله میزان دسترسی خود به ابزار تکنولوژیک محیط دیجیتال نیز می‌پردازیم.

بعد از طی این مراحل، دانشجو در متن هدف تحقیق قرار گرفته و سؤالات دقیق‌تر و جزئی‌تر مطرح می‌شوند و او باید در پاسخ به سؤال شماره شش صراحتاً به استفاده‌های خود از تلفن همراه در کلاس اشاره کرده که در این میان، بسته به نوع استفاده‌ها، نوع نگرش و بازنمودهای خود را نسبت به جنبه آموزشی این ابزار بیان می‌کند. او در ادامه و در سؤال شماره هفت استفاده‌های خود را از سایر ابزار تکنولوژیک بیان می‌کند. در واقع در سؤال شماره هشت، قسمت اصلی بازنمودهای اجتماعی دانشجو، بازگو شده و سؤال شماره نه مستقیماً به دومین پرسش محوری مقاله، یعنی مسأله خوداتکایی دانشجو در محیط دیجیتال، می‌پردازد. سؤالات پایانی، یعنی سؤالات شماره ده و یازده، نحوه شناسایی و ارزیابی دانشجو از محیط دیجیتال را نشان داده و بیانگر دغدغه‌ها، خلأها و نیازهای موجود در این محیط می‌باشد.

نظر به اینکه مصاحبه‌ها با روش نیمه مستقیم صورت گرفته است، این سؤالات تنها محور مصاحبه را مشخص نموده و بسته به پاسخ‌های ارائه شده، همراه با مطرح کردن بعضی سؤالات، توضیحاتی نیز در طول مصاحبه برای تبیین موضوع بیان شده است. که البته در بعضی از موارد، با مطرح شدن تنها یک سؤال، مصاحبه شونده همزمان به چندین سؤال مورد نظر پاسخ داده است. در ابتدای هر مصاحبه، این اطمینان به مخاطبان داده می‌شود که مصاحبه‌ها بدون نام صورت گرفته و نیازی به اطلاعات شخصی وجود ندارد. تمامی مصاحبه‌های انجام شده، از قبل زمان‌بندی، تاریخ

بندی، شماره‌گذاری و درنهایت ضبط گردیده و بسته به سؤالات محوری تحقیق، مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند.

راهنما و سؤالات مصاحبه با زبان‌آموزان

از مجموع دانشجویان دعوت شده به مصاحبه همگی به‌صورت حضوری در این امر شرکت نموده و فقط یک مصاحبه به‌صورت تلفنی انجام گرفت. تمامی مصاحبه‌ها به زبان فارسی بوده و سؤالات زیر، سؤالاتی بود که در این مصاحبه مطرح شده است:

۱. در چه رشته‌ای مشغول به تحصیل هستید و در حال حاضر در سال چندم تحصیلی قرار دارید؟
۲. نگاهتان به این زبان چیست؟ چقدر به یادگیری آن علاقه دارید؟
۳. برای یادگیری زبان از چه تکنیک‌ها و ابزارهایی استفاده می‌کنید؟
۴. برای ترجمه در کلاس و منزل، از چه ابزاری استفاده می‌کنید؟ (کتاب فرهنگ لغت، نرم‌افزار، اینترنت)
۵. به کدامیک از این تکنولوژی‌ها دسترسی (همیشه، اغلب، گاهی، هرگز) دارید؟ کامپیوتر؟ تلفن همراه هوشمند (Smartphone)؟ اینترنت؟
۶. در کلاس چه استفاده‌هایی از تلفن همراه خود می‌کنید؟ (تمام استفاده‌های درسی و غیر درسی)
۷. اگر از تلفن همراه، اینترنت، لپ‌تاپ و ... برای یادگیری زبان استفاده می‌کنید شامل چه استفاده‌هایی می‌شود؟
۸. تأثیر این ابزار را در یادگیری و یاددهی زبان چگونه ارزیابی می‌کنید؟ مفید یا مضر؟ چرا؟
۹. به نظر شما اینترنت و نرم‌افزارهای یادگیری زبان تا چه میزان باعث استقلال و خوداتکایی (Autonomie) دانشجو در یادگیری می‌شود؟
۱۰. تا چه حد با نرم‌افزارهای آموزشی و سایت‌های و برنامه‌های کاربردی (Application) موجود آشنایی دارید؟
۱۱. از نظر شما یک نرم‌افزار، برنامه‌های کاربردی و یا سایت آموزشی مناسب چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

شماره گذاری برای مصاحبه شوندگان به ترتیب زمانی انجام مصاحبه بوده و مشخصات کلی زبان آموزان شرکت کننده در این مصاحبه بدین ترتیب قابل تعریف می باشد:

مصاحبه شونده	زبان در حال تحصیل	مقطع تحصیلی
شماره یک	سال سوم زبان ژاپنی	کارشناسی
شماره دو	سال سوم زبان ژاپنی	کارشناسی
شماره سه	سال دوم زبان انگلیسی	کارشناسی
شماره چهار	سال سوم زبان ایتالیایی	کارشناسی
شماره پنج	سال سوم زبان ژاپنی	کارشناسی
شماره شش	سال پنجم زبان ایتالیایی	کارشناسی
شماره هفت	سال اول زبان روسی	کارشناسی ارشد
شماره هشت	سال پنجم زبان روسی	کارشناسی
شماره نه	سال پنجم زبان روسی	کارشناسی
شماره ده	سال دوم زبان فرانسه	کارشناسی ارشد
شماره یازده	سال سوم زبان انگلیسی	کارشناسی
شماره دوازده	سال سوم زبان انگلیسی	کارشناسی
شماره سیزده	سال دوم زبان فرانسه	کارشناسی ارشد
شماره چهارده	سال چهارم زبان ایتالیایی	کارشناسی
شماره پانزده	سال اول زبان اردو	کارشناسی ارشد
شماره شانزده	سال اول زبان اردو	کارشناسی ارشد
شماره هفده	سال چهارم زبان اردو	کارشناسی
شماره هجده	سال اول زبان آلمانی	کارشناسی ارشد
شماره نوزده	سال اول زبان آلمانی	کارشناسی
شماره بیست	سال دوم زبان اسپانیایی	کارشناسی
شماره بیست و یک	سال دوم زبان اسپانیایی	کارشناسی
شماره بیست و دو	سال اول زبان اسپانیایی	کارشناسی
شماره بیست و سه	سال چهارم زبان آلمانی	کارشناسی
شماره بیست و چهار	سال دوم زبان فرانسه	کارشناسی ارشد

نتایج تحقیق

در این بخش از مقاله به ارائه و بررسی نتایج حاصل از این پژوهش می پردازیم. با توجه به جواب های مطرح شده در مصاحبه های صورت گرفته، سعی بر این است تا داده های موجود بر

اساس محورهای مشخصی دسته‌بندی شده و مورد تحلیل قرار گیرند. در ابتدای این امر، به بیان کلی بازنمودهای اجتماعی دانشجویان پرداخته و به تفاوت‌ها و تنوع مشهود در این بین اشاره می‌کنیم. در وهله بعد، با توجه به دیدگاه‌های دانشجویان، توانایی محیط دیجیتال را در ایجاد خوداتکایی در دانشجو تحلیل می‌نماییم. در گام بعد جایگاه محیط دیجیتال را در جامعه آماری مورد نظر با توجه به بازنمودهای اجتماعی دانشجویان، نقش اساتید و شرایط هر رشته تحصیلی معرفی می‌کنیم و در پایان این بخش، دسته‌بندی‌ای کلی را از انواع استفاده‌های دانشجویان از ابزار تکنولوژیک محیط دیجیتال ارائه می‌دهیم.

بازنمودهای اجتماعی محیط دیجیتال

با توجه به تنوع نسبی سؤالات مطرح شده و تنوع زبان‌های مورد بررسی و در نتیجه ویژگی‌های خاص هر زبان، گستره پاسخ‌های بیان شده برای هر سؤال وسیع بوده و جواب‌های متفاوت و حتی متناقضی در بین مصاحبه‌شوندگان مشهود است. این تناقض در پاسخ‌های داده شده به دو سؤال متفاوت توسط یک فرد نیز وجود دارد، که این نکته خود جای تحلیل دارد که چرا دانشجویان، همگی تمایل داشتند موضع‌گیری مثبتی، و نه الزاماً واقعی، نسبت به بعضی سؤالات داشته باشند. بدین صورت، جواب بعضی سؤالات تقریباً در بین همه دانشجویان مشترک بوده است و همگی در پاسخ به اینکه ابزار تکنولوژیک را در روند یادگیری زبان چگونه ارزیابی می‌کنند، اذعان داشتند که ابزاری همچون تلفن همراه هوشمند و رایانه نقش مفیدی در یادگیری زبان ایفا می‌کنند، در حالی که پاسخ سؤالات دیگر، بیان‌گر این بوده که همه آن‌ها دیدگاه مشترکی نداشته و یا لاقلاً در عمل، به شیوه‌های متفاوتی از محیط دیجیتال استفاده می‌کنند.

برای نمونه پاسخ‌های بسیار متفاوتی به نوع استفاده آن‌ها از محیط دیجیتال داده شد؛ عده‌ای تقریباً استفاده خاصی از این ابزار در امر یادگیری نداشته و عده‌ای دیگر کاربردهای آموزشی متنوعی را برای آن مطرح نمودند. به‌عنوان مثال مصاحبه‌شونده شماره شانزده، دانشجوی زبان اردو، استفاده درسی از اینترنت را این‌گونه تعریف می‌کند: "وقتی استاد عنوانی را برای تدریس مشخص می‌کند، قبل از اینکه کتاب را از کتابخانه بگیرم، یک سرچ (جستجو) در اینترنت می‌کنم ولی کامل‌تر و جامع‌ترش را به کتابخانه مراجعه می‌کنم". در حالی که بعضی دیگر تمرکز و اعتماد بیشتری را به اینترنت اختصاص

داده‌اند. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره پانزده، که او هم دانشجوی زبان اردو می‌باشد تکیه بیشتری بر اینترنت داشته و ادعا می‌کند: "ما چون اینجا خیلی به منابع دسترسی نداریم ولی آنلاین منابعی هستند که خیلی در دسترس‌اند [...] خیلی خوب هستند و می‌توان از آن‌ها استفاده کرد."

ما از پرسیدن سؤالاتی همچون چگونگی یادگیری زبان، نحوه استفاده از بعضی تکنولوژی‌ها و شناسایی شرایط کنونی محیط دیجیتال، به دنبال شناخت نوع نگرش و آنان نسبت به محیط دیجیتال بوده‌ایم و این قبیل سؤالات، توانست ما را در این امر یاری نماید. دانشجویانی که استفاده‌های متنوع‌تر و بیشتری از محیط دیجیتال داشته، از این محیط بهره کافی‌تری را در امر یادگیری برده و ارزیابی دقیق‌تری از شرایط موجود داشته‌اند، اعتقاد بیشتری نیز به کارآمدی ابزار تکنولوژیک و یا همان محیط دیجیتال برای تسهیل یادگیری زبان داشته و می‌توانستند با استدلال‌های دقیق‌تری، نوع نگرش و بازنمودهای اجتماعی خود را توجیه کنند. این در حالی است که سایرین به تأیید مفید بودن محیط دیجیتال اکتفا کرده و توضیح خاصی را برای این موضوع مطرح نمی‌کردند.

در بعضی از مصاحبه‌ها، همچون مصاحبه با یکی از دانشجویان زبان ژاپنی، فرد در پاسخ به همان نخستین سؤالات و با شمردن راه‌هایی که به کمک آن‌ها زبانش را فرامی‌گیرد، میزان وابستگی یا به عبارتی بهره‌گیری خود را از محیط دیجیتال این‌گونه بیان کرد: "از رادیوی ژاپنی استفاده می‌کنم، از فیلم‌های مختلف استفاده می‌کنم، با دوست‌هایی که فقط می‌توانند با زبان ژاپنی ارتباط برقرار کنند، با آن‌ها ارتباط دارم". کاملاً مشهود است که اجرایی شدن این فعالیت‌ها تنها در محیط دیجیتال، رایانه، تلفن همراه هوشمند و اینترنت امکان‌پذیر است. در مصاحبه‌هایی از این قبیل، نوع عملکرد دانشجویان، ما را به سمت شناخت بازنمودهای اجتماعی آنان راهنمایی نمود. حتی بعضی از دانشجویان، همچون همین دانشجو دلیل اصلی خود را از خریدن تلفن همراه هوشمند، ارتقاء و تقویت زبان خود دانسته‌اند و این نشان دهنده بازنمودهای اجتماعی آنان است که بر اساس آن محیط دیجیتال، در اینجا تلفن همراه هوشمند، می‌تواند مستقیماً به یادگیری زبان کمک کند.

ابزار تکنولوژیک، محیط دیجیتال و توانایی خوداتکایی

یکی از سؤالات محوری در این تحقیق، چگونگی نگرش دانشجویان زبان‌های خارجی به محیط دیجیتال برای یادگیری و تأثیر این محیط بر ایجاد توانایی خوداتکایی در زبان‌آموز بوده است. در این

راستا سؤالاتی طراحی شد تا به کمک آن‌ها بتوانیم به جواب این پرسش دست‌یابیم. البته که چندین سؤال پاسخگوی این نیاز بوده و در این راستا طراحی شده‌اند اما کلیدی‌ترین سؤالی که مستقیماً ما را به سمت جواب مدنظر هدایت کرد، سؤالی بود که به ارزیابی دانشجویان از میزان تأثیر محیط دیجیتال بر یادگیری زبان پرداخته است. تقریباً تمامی مخاطبین، این ابزار و در واقع محیط تکنولوژیک را در امر یادگیری زبان مفید ارزیابی کرده‌اند. اما بعضی از آنان با گذاشتن قیدهایی همچون آگاه بودن به کاربردها، شخصیت و عادت رفتاری دانشجویان و نوع استفاده، که به ترتیب توسط مصاحبه‌شوندگان شماره هشت (دانشجوی زبان روسی)، شماره پانزده (دانشجوی زبان اردو) و شماره هفده (دانشجوی زبان اردو) مطرح گردید، سعی در تصریح پاسخ خود داشتند. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره پانزده، در پاسخ به این سؤال که چقدر محیط دیجیتال به خودمتمکی شدن دانشجو کمک کرده است، گفت:

" بستگی دارد به شخصیت افراد، بعضی‌ها این مدلی هستند که خود خوان‌اند [...] به آن‌ها صد در صد بیشتر کمک می‌کند [...] اما یک سری هستند که حتماً در معاشرت با دیگران و در محیط کلاس یاد می‌گیرند ولی به آن افراد هم کمک می‌کند."

دیگر دانشجویان در پاسخ به مسأله تأثیر محیط دیجیتال بر خوداتکایی دانشجویان نیز پاسخ‌های متنوعی را مطرح کرده‌اند، اما آنچه که تقریباً در بین همه پاسخ‌ها مشترک بود اشاره به دو نکته است. اول اینکه این محیط قطعاً به مستقل شدن دانشجویان در امر یادگیری زبان کمک شایانی کرده است و توانسته به‌عنوان ابزاری کمکی و یاری دهنده، نقش یک منبع کمک آموزشی را برای دانشجویان ایفا کرده و روند یادگیری آن‌ها را سرعت بخشیده و تسهیل کند. نکته دیگری که در همه پاسخ‌ها مشاهده شد، این بود که هیچ‌کدام از دانشجویان قائل به استقلال‌آفرینی صددرصدی محیط دیجیتال برای یادگیری زبان نبوده‌اند. به‌طور مثال مصاحبه‌شونده شماره هجده (دانشجوی زبان آلمانی) در پاسخ به این مسأله گفت: " من نمی‌گویم این‌ها مفید نیستند، چرا خیلی هم مفیدند اما به نظرم نمی‌تواند جای استاد و کلاس درس را پر کند. این‌ها در کنار کلاس مفیدند." دانشجویان در عین حال که جایگاه و اهمیت غیرقابل‌انکاری را در امر آموزش، برای ابزار تکنولوژیک قائل بودند، اما محیط دیجیتال

را، با همه کارآمدی‌های خود، جانشینی برای کلاس درس و استاد نمی‌دانستند و به عقیده این گروه، دانشجو با وجود همه این تکنولوژی‌ها، نمی‌تواند مستقل از کلاس، کار چشمگیری را پیش ببرد.

وضعیت و جایگاه محیط دیجیتال

در این قسمت از پژوهش به بررسی جایگاه محیط دیجیتال از سه منظر متفاوت می‌پردازیم. در ابتدا به بازنگری بازنمودهای اجتماعی دانشجویان از محیط دیجیتال پرداخته و در مرحله‌های بعد نقش اساتید و رشته مربوطه در شکل‌گیری و جهت‌دهی این بازنمودها اشاره می‌کنیم.

بازنمودهای اجتماعی دانشجویان از محیط دیجیتال

در بررسی شرایط کنونی محیط دیجیتال، نظرات و درواقع بازنمودهای اجتماعی دانشجویان را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد. دسته اول کسانی که سایت‌ها، نرم‌افزارها و برنامه‌های کاربردی مختلف را شناسایی نموده، استفاده کرده و مورد ارزیابی قرار داده‌اند. این گروه دقیق‌ترین نوع ارزیابی از محیط دیجیتال را داشته و جواب‌های مطرح شده نیز قابل تأمل می‌باشد، چراکه با توجه به شناخت قابل‌قبولی که این دانشجویان از شرایط موجود داشتند، مستقیماً به کمبودها اشاره می‌کردند. برای بهبود وضعیت سایت‌های آموزشی، نکاتی پیشنهاد شد که به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌کنیم. دانشجویان تقاضا داشتند در سایت‌های آموزشی، پس از هر طرح درس، آزمونی گرفته شود که فرد بتواند طی آن، روند یادگیری خود را ارزیابی کند. فراهم کردن محیط ارتباطی و ارائه منابع واقعی (Situations et documents authentiques) از جامعه زبان هدف، شامل اصطلاحات جدید، فایل‌های صوتی و تصویری از دیگر خواسته‌های مطرح شده توسط مصاحبه‌شوندگان زبان ژاپنی و آلمانی بود. برای برنامه‌های کاربردی، مهم‌ترین نکته‌ای که از جمله مصاحبه‌شونده شماره ده (دانشجوی زبان فرانسه) به آن اشاره کرد، مسأله اتصال به اینترنت بود؛ دانشجویان برنامه‌هایی را ترجیح می‌دادند که بدون نیاز به اینترنت (Hors ligne) نیز اجرا شود. داشتن کلمات متضاد و مترادف، بکار بردن کلمات در جمله‌ها و بافت‌های زبانی متفاوت (Contextes) و همراه بودن آن‌ها با اصطلاحات مرتبط، از جمله شرایط و ضرورت‌هایی بود که مصاحبه‌شوندگان شماره یازده و دوازده (دانشجویان زبان انگلیسی) برای یک نرم‌افزار و یا یک برنامه کاربردی لغت‌نامه بیان کردند.

دومین دسته‌بندی مربوط به کسانی است که نسبت به دسته اول، استفاده آموزشی زیادی از محیط دیجیتال نداشته اما با همان شناخت نسبتاً کافی، بعضی از ضعف‌های موجود را شناسایی کرده‌اند. از جمله موارد مطرح شده می‌توان به موضوع‌بندی و سطح‌بندی شدن سایت‌ها و نرم‌افزارها که به وسیله مصاحبه‌شونده شماره هفت (دانشجوی زبان روسی) مطرح گردید، اشاره کرد. دانشجویان و از جمله مصاحبه‌شونده شماره سیزده (دانشجوی زبان فرانسه)، یکی از مشکلاتی را که برای این قبیل سایت‌ها مطرح کرده‌اند این است که هرچند برای سطوح مبتدی به اندازه کافی مطلب و تمرین وجود دارد، اما برای سطوح بالاتر، این کمبود احساس می‌شود. یک برنامه کارآمد باید " حداقل سطح‌بندی شده باشد و برای همه سطح‌هایی که بچه‌ها احتیاج دارند، بتوانند از آن استفاده کنند." ارائه توضیحات آسان، برای مخاطبی که زبان آن سایت یا نرم‌افزار، زبان مادری او محسوب نمی‌شود، از دیگر نیازهایی بود که توسط دانشجویان مطرح گردید. مصاحبه‌شونده شماره چهار (دانشجوی زبان ایتالیایی) بیان داشت:

" چون ما کسانی هستیم که آن زبان را از کشوری دیگر یاد می‌گیریم و زبان مادری نیست، آن نثری که یک سایت می‌نویسد، نثر نوشتن، سبک نوشتن باید ساده باشد که برای زبان‌آموزان خارجی قابل درک باشد. این قابل درک بودن به نظر من خیلی مهم است، کلماتی که استفاده می‌شود، متون متکلف و خیلی سنگین نباشد."

آخرین دسته‌بندی در پاسخ‌های ذکر شده، همان‌طور که قابل پیش‌بینی است، مختص به دانشجویانی است که تقریباً استفاده آموزشی تعریف‌شده‌ای از محیط دیجیتال نداشتند. این گروه از دانشجویان اطلاع قابل ملاحظه‌ای نیز از این محیط نداشتند. برای نمونه مصاحبه‌شونده شماره هشت (دانشجوی زبان روسی)، در پاسخ به این سؤال که سایت‌ها و نرم‌افزارهای آموزشی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشند، گفت: " نمی‌دانم! چون خودم از نرم‌افزارها و سایت‌های آموزشی استفاده نکرده‌ام، نمی‌دانم واقعاً"، یا مصاحبه‌شونده شماره شانزده، (دانشجوی زبان اردو) در پاسخ به همین سؤال گفت: " در همین حد هم خیلی خوب است، اما اگر اینترنت، کتاب و مقاله بیشتری را ارائه دهد، بهتر است"، که این نیاز اشاره شده نیز، خود ناظر به استفاده‌های ابتدایی از اینترنت است.

از نکات دیگری که در مصاحبه‌های انجام شده، قابل تأمل است، می‌توان به مسأله دسترسی به ابزار تکنولوژیک اشاره کرد. هرچند همه دانشجویان، بدون استثناء، در اغلب اوقات روز، به کامپیوتر و اینترنت دسترسی داشتند، اما تلفن همراه هوشمند ابزاری بود که در دسترس همه مصاحبه‌شوندگان نبود. علی‌رغم این تصور که کسانی که دسترسی بیشتری به یک ابزار دارند، نسبت به ابعاد خصوصاً آموزشی آن آگاهی بیشتری نیز خواهند داشت، این مصاحبه‌ها نشان داد که در همه موارد این‌طور نیست. برای نمونه، مصاحبه‌شونده شماره شش (دانشجوی زبان ایتالیایی)، که دسترسی صددرصدی به تلفن همراه هوشمند داشت، سر کلاس، از اینترنت آن برای یافتن یک مطلب علمی مرتبط با کلاس، استفاده نکرده بود، درحالی‌که اظهار داشت از پیامک و دیگر امکانات غیر آموزشی - در سر کلاس نیز استفاده می‌کند. او در پاسخ به این سؤال که سر کلاس چه استفاده‌هایی از تلفن همراه دارد گفت: "بعضی وقت‌ها اس ام اس (پیامک) بازی می‌کنم" و استفاده درسی از اینترنت را مربوط به زمانی می‌داند که استاد مربوطه اصرار داشته باشد که دانشجویان به مطلبی در زمان کلاس دست یابند. از دیگر سو، مصاحبه‌شونده شماره نه (دانشجوی زبان روسی)، که به این نوع تلفن و اینترنت دسترسی همیشگی نداشت، کاملاً به قابلیت‌های آموزشی آن اشراف داشته و حتی می‌توانست آسیب‌شناسی علمی و دقیقی نسبت به شرایط موجود ارائه دهد. او در پاسخ به آخرین سؤال، آسیب اصلی سایت‌های موجود را متوجه زبان آن‌ها دانست که گاهی اوقات خیلی رسمی نبوده و مطالب ارائه شده در وبلاگ‌های آموزشی از نظر علمی چندان قابل استناد نمی‌باشند.

نقش استاد در شکل‌گیری بازآموزه‌های اجتماعی دانشجویان

شرایط هر رشته و خواسته‌های اساتید نیز می‌تواند نقش بسزایی را در شکل‌گیری و مدیریت بازآموزه‌های اجتماعی دانشجویان ایفا کند. وقتی معلم در کلاس درس از دانشجویان می‌خواهد برای جست‌وجوی یک مطلب، با تلفن‌های همراه خود به اینترنت مراجعه کرده و درباره آن مطلب کسب اطلاع کنند، در واقع هم جنبه رسمی و علمی به این فعالیت داده و هم در خلال این امر، کاربردهای درسی و علمی استفاده از اینترنت را معرفی کرده است. در غیر این صورت، ممکن است نگاه دانشجو به این نوع استفاده از تلفن همراه، نوعی سرگرمی بوده باشد و نسبت به آن موضع‌گیری منفی نماید. برای مثال وقتی از مصاحبه‌شونده شماره هشت (دانشجوی زبان روسی) پرسیده می‌شود که آیا

از اینترنت تلفن همراه سر کلاس استفاده داشته یا نه، بلافاصله پاسخ می‌دهد: "نه هرگز!" و حتی برای کاربردهای درسی می‌گوید: "برای استفاده درسی شاید، ولی تا الآن که استفاده نکرده‌ام." نکته جالب توجه‌تر اینکه او استفاده از اینترنت و تلفن همراه را در صورتی مفید می‌داند که دانشجو نسبت به فواید آن آگاه بوده و استفاده درستی از این ابزار داشته باشد، که به یقین می‌توان جست‌وجوی مطلب مرتبط با کلاس را در اینترنت از استفاده‌های درست و مفید تلفن همراه دانست که او به دلیل داشتن ذهنیت نه‌چندان مثبت، "هرگز" از آن بهره‌مند نشده است.

بازنمودهای اجتماعی محیط دیجیتال و رشته تحصیلی دانشجویان

تحلیل کیفی گفته‌های دانشجویان نشان داد که نوع زبان در حال یادگیری، شاخصه‌های آن و امکانات دیجیتال مرتبط موجود در بازار نیز عامل مهمی در گرایش دانشجویان آن زبان برای مراجعه به محیط دیجیتال محسوب می‌شود. برای مثال، دانشجویان زبان‌های انگلیسی و فرانسه شرکت‌کننده در این تحقیق که به صورت تصادفی انتخاب شده بودند، از جمله افرادی بودند که بیشترین استفاده را از محیط دیجیتال داشتند، چراکه بر اساس گفته‌های آنان تنوع انتخاب بالاتری را به‌ویژه در استفاده از کارکردهای آموزشی نیز دارند و این خود باعث ایجاد و افزایش رغبت برای مراجعه به این محیط می‌شود. مثلاً بنا بر اظهارات مصاحبه شونده شماره یازده (دانشجوی زبان انگلیسی)، آن قدر تنوع محصولات دیجیتال در بازار زیاد است که می‌توان آن‌ها را طبق نوع کارکرد و محتوا دسته‌بندی نمود و مخاطب بسته به معیارهایی همچون سلیقه، کیفیت فنی و ... می‌تواند به هر کدام از آن‌ها مراجعه داشته باشد.

از طرف دیگر، بعضی از دانشجویان، درعین حال که منکر تأثیر محیط دیجیتال و امکاناتش بر یادگیری زبان نبودند، اما تقریباً هیچ‌گونه استفاده آموزشی از این محیط نیز نداشتند. برای نمونه دانشجویان زبان اردو شرکت‌کننده در این تحقیق، با استفاده خاصی نداشته و یا آن‌هایی که دغدغه مراجعه به محیط دیجیتال را داشتند، بیان کردند که به محصولات مناسب، متنوع و قابل قبولی دست پیدا نکرده‌اند. این امر باعث شده که، بنا به اظهارات مصاحبه شونده‌گان، اکثر دانشجویان این زبان یا کلاً با روش‌های سنتی همچون کلاس درس و کتاب و جزوه، زبان خود را تقویت کرده و یا به استفاده‌های محدود و ابتدایی از محیط دیجیتال همچون جست‌وجوی مطالب فرهنگی در اینترنت و

مشاهده فیلم قناعت کنند و یا نهایتاً برای تطبیق رشته خود با دنیای دیجیتال متحمل زحمات مضاعفی گردند. دانشجوی شماره پانزده در پاسخ به این سؤال که آیا لغت‌نامه‌ای که قابلیت نصب روی تلفن همراه را داشته باشد برای شما وجود دارد، گفت: "دیکشنری نه به آن صورت که در زبان‌های دیگر وجود دارد ولی دیکشنری‌های (فرهنگ لغت) چند زبانه مثل انگلیسی-هندی موجود است تا به کمک آن‌ها بتوانیم معنی لغات را پیدا کنیم."

همان‌طور که ذکر شد، در برابر این وضعیت، بعضی از دانشجویان زبان مذکور، ترجیح داده کلاً یادگیری خود را مستقل از محیط دیجیتال تعریف کنند. مصاحبه‌شونده شماره هفده که دانشجوی سال چهارم زبان اردو بوده، برای یادگیری زبان اردو این‌گونه عمل کرده است: "کتاب بیشتر می‌خوانم، اصلاً از اینترنت استفاده نمی‌کنم بیشتر کتاب." یا در شرایطی که هم نرم‌افزار لغت‌نامه و هم کتاب آن موجود باشد او به کتاب مراجعه کرده و می‌گوید: "کتاب، چون کتاب بهتر است. منبع موثقی است، صددرصد." و حتی در پاسخ به این سؤال که آیا می‌شود از اینترنت و تلفن همراه و رایانه برای یادگیری زبان استفاده کرد گفت: "بله می‌شود، شاید! اما به نظر من کتاب بهتر است." هرچند نباید سلیق و شخصیت‌های دانشجویان را هم در تمایل به مراجعه به محیط دیجیتال نادیده گرفت، اما تأثیر فضای حاکم بر زبان خارجی مورد مطالعه نیز غیرقابل انکار است.

از جواب‌های مذکور و مقایسه آن‌ها در زبان‌های مختلف با یکدیگر، ما را به بازیابی این رابطه می‌رساند که هرچه در یک زبان، امکانات و تنوع محصولات دیجیتالی بیشتری عرضه شده باشد و همچنین اساتید نیز فضای متناسب را با مطالبه‌هایشان برای دانشجویان ایجاد کنند، دانشجویان به‌طور نامحسوس و خودکار، گرایش بیشتری برای قرار گرفتن در این محیط و استفاده از قابلیت‌های آن پیدا می‌کنند و این امر، تأثیر مستقیم روی بازآمدهای اجتماعی افراد خواهد گذاشت و رفته‌رفته نوع نگرش آن‌ها را نسبت به کارآمدی محیط دیجیتال در امر یادگیری زبان تغییر داده، تقویت و یا تضعیف خواهد کرد. دانشجوی شماره سه که در رشته زبان انگلیسی مشغول به تحصیل است، مراجعه به امکانات دیجیتال را در رشته تحصیلی خود امری گریزناپذیر دانسته، خلاً دوری از آن را احساس کرده و می‌گوید: "من خودم خیلی معتقد بودم به کتاب، اما از وقتی وارد دانشگاه شدم، دیدم با کتاب تنها نمی‌توان خواسته‌های اساتید را برآورده کرد." ذکر این نکته نیز ضروری است که با

توجه به محدود و تصادفی بودن جامعه آماری این تحقیق، داده‌های به دست آمده در عین حال که مهم و معنادار بوده و قابلیت تأمل دارند، اما تعمیم‌پذیر نیز نمی‌باشند. تحقیقات وسیع‌تر در این زمینه مسلماً نتایج متنوع‌تر و دقیق‌تری را شامل می‌شود.

استفاده‌های غالب

پیش‌بینی ما طبق فرضیه اول این بوده است که تنوع قابل توجهی را در بین استفاده‌های آموزشی دانشجویان از محیط دیجیتال مشاهده کنیم. هرچند، همان‌طور که در بخش‌های قبل، به بیان شد، پاسخ‌های دانشجویان بسیار متنوع و گهگاه متضاد بوده است، اما می‌توانست گسترده‌تر از این نیز باشد. به طوری که می‌توان پاسخ‌های مطرح شده را در چند دسته محدود معرفی کرد. آنچه که انتظار ما از استفاده‌های آموزشی از محیط دیجیتال بود، استفاده‌هایی را شامل می‌شود که خلاقیت بیشتری در آن به کار رفته و یا از تمامی امکانات دیجیتال استفاده شود. اما یا هیچ‌کس این نوع استفاده‌ها را بیان نکرد و یا افراد محدودی به آن اشاره کردند. بعضی از قابلیت‌های آموزشی محیط دیجیتال نیز به‌طور کلی در بین دانشجویان مورد غفلت واقع شده بود. برای مثال، شبکه‌های اجتماعی، که قابل دسترسی برای اکثر دانشجویان بود و دارای ظرفیت بسیار بالا برای برقراری محیط واقعی ارتباط اجتماعی (*Situation réelle de communication*) می‌باشد، مورد استفاده خیلی از دانشجویان نبوده است. البته تعداد محدودی از مصاحبه‌شوندگان، از جمله تمامی مصاحبه‌شوندگان زبان ژاپنی، به آن اشاره کردند، اما این ظرفیت بالقوه می‌تواند در زبان‌های دیگر نیز مورد استفاده قرار گیرد.

در پایان، طبق فرضیه دوم تحقیق، تلاش ما بر این بوده است که از پاسخ‌های مطرح شده، بتوانیم نوعی دسته‌بندی از استفاده‌های آموزشی دانشجویان از محیط دیجیتال را ارائه داده، چراکه این استفاده‌ها، خود به استقلال و توانایی خوداتکابی دانشجویان کمک خواهد کرد. در یک دسته‌بندی کلی می‌توان استفاده‌ها را در سه بخش تعریف کرد: فعالیت‌هایی که با رایانه انجام‌پذیر است، آن‌هایی که در محیط تلفن همراه هوشمند قابل اجراست و استفاده‌هایی که نیاز به اینترنت، خواه با تلفن همراه خواه رایانه و یا تبلت دارد. بعضی از کاربردها در تلفن همراه و رایانه، هر دو قابل اجراست. در این دسته‌بندی، تبلت‌ها، با توجه به کاربردهای رایج آن‌ها در جامعه که ناظر به قابلیت برقراری ارتباط در کنار امکانات فنی این وسیله می‌باشد، در دسته تلفن همراه هوشمند قرار داده شده‌اند. مسلماً این

فهرست کامل نبوده و فقط با توجه به پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان شرکت‌کننده در این پژوهش است.

- دسته اول (بیشتر به کمک رایانه): تماشای فیلم و سریال، نرم‌افزارهای آموزشی، تایپ کردن تکالیف درسی، تهیه پاور پوینت (Power point) برای ارائه‌های کلاس.

- دسته دوم (بیشتر به کمک تلفن همراه هوشمند و تبلت): پیامک به زبان مقصد، برنامه‌های کاربردی مانند برنامه کتاب‌های آموزشی، لغت‌نامه و بازی‌های آموزشی، گوش کردن به آهنگ‌ها و فایل‌های صوتی، ضبط کردن کلاس درس.

- دسته سوم (بیشتر به کمک اینترنت): گوش کردن به رادیو، حضور در شبکه‌های اجتماعی، سر زدن به سایت‌های آموزشی و غیر آموزشی و استفاده از قابلیت‌های آنان برای آشنایی با فرهنگ زبان مقصد، جست‌وجو و دریافت محتواهای آموزشی، ارتباط و انتقال محتویات آموزشی از طریق ایمیل به اعضای کلاس.

نتیجه‌گیری

در این مقاله، سعی بر این بود که طی انجام مصاحبه، با جمعی از دانشجویان زبان‌های خارجی، بازنمودهای اجتماعی دانشجویان نسبت به محیط دیجیتال، استفاده‌های غالب آن‌ها از این محیط و درنهایت تأثیر این استفاده‌ها در رسیدن به خوداتکایی نسبی در روند یادگیری آنان را بررسی نماییم. نتایج اولیه به دست آمده از مصاحبه‌ها، خود گویای تنوع در نوع بازنمودها و استفاده‌های دانشجویان بوده است. برای دستیابی به نتایج عمیق‌تر و کاربردی‌تر، داده‌های موجود طبق روش کیفی مورد تحلیل قرار گرفته و ارائه گردید. سعی شد، طبق معیارهای مختلفی مانند میزان دسترسی دانشجویان به محیط دیجیتال، نحوه استفاده آموزشی آن‌ها از این محیط و از زوایای متفاوتی همچون شرایط خاص هر رشته، دیدگاه‌ها و عملکرد اساتید، پاسخ‌های مصاحبه‌شوندگان بررسی و دسته‌بندی شود.

این مقاله تا حد زیادی توانست با طراحی سؤالات متنوع و در نظر گرفتن پرسش‌ها و فرضیه‌های محوری مدنظر، به پاسخ پرسش‌ها و در نتیجه اثبات و رد فرضیه‌های موجود، دست یابد. باتوجه به داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها، بازنمودهای اجتماعی دانشجویان از محیط دیجیتال، شناسایی،

دسته‌بندی و معرفی گردید که در این دسته‌بندی نقش اساتید و شرایط خاص هر رشته تحصیلی نیز در نظر گرفته شد. یکی از نکاتی که حائز اهمیت است تنوع شرایط حاکم بر زبان‌های مختلف برای یادگیری و یاددهی است. این تنوع توانسته است بازنمودهای اجتماعی دانشجویان را تحت تأثیر قرار داده و عملکرد آن‌ها را برای مراجعه به محیط دیجیتال و بهره‌گیری از ابعاد آموزشی این محیط به‌نوعی مدیریت کند. همان‌طور که، طبق فرضیه اول، پیش‌بینی می‌شد که تنوع قابل ملاحظه‌ای در استفاده‌های دانشجویان از محیط دیجیتال دیده شود، کاربردهای آموزشی متنوعی در بین دانشجویان مشاهده شد، که البته پیش‌بینی‌های ما، تنوع بیشتری را احتمال می‌داد. با توجه به پاسخ‌های دانشجویان به سؤالات، به‌ویژه سؤالی که مربوط به تأثیر محیط دیجیتال بر خودتکایی بود، توانستیم یک دسته‌بندی از استفاده‌هایی که دانشجویان از محیط دیجیتال دارند ارائه داده که طبق پرسش دوم تحقیق، به توانایی خودتکایی دانشجویان کمک خواهد کرد.

هدف اصلی این مقاله، ارائه یک گزارش کلی از جایگاه محیط دیجیتال و تأثیر آن بر یادگیری زبان، از دیدگاه بینش‌ها و کاربردهای متداول بوده است. نقش این تحقیق و نتایج حاصل آن، گام نخستین برای تحقیقات بعدی است. ما طی این پروژه، با نقاط قوت و ضعف، خلأها و چالش‌های زیادی مواجه شدیم که جای بررسی و ارزیابی دارد. یکی از مهم‌ترین نکاتی که توجه ما را جلب کرد، در کنار شرایط و ویژگی‌های خاص هر زبان، نقش معلمان در هدایت و تغییر نگرش دانشجویان نسبت به جنبه آموزشی محیط دیجیتال و ایجاد گرایش و یا عدم گرایش در آنان برای مراجعه به این منبع آموزشی است. کما اینکه در داده‌های حاصل نیز مشاهده شد که بعضی از اساتید توانسته بود با نوع عملکرد خود که ناشی از بازنمودهای اجتماعی او از محیط دیجیتال است، بر روی رفتار دانشجویان در تعامل با این محیط اثر گذارد. امید است که این مقاله در پایان توانسته باشد با دادن گزارشی از جایگاه موجود محیط دیجیتال در اندیشه و عمل دانشجویان، راه را برای سایر محققین در جهت طراحی فعالیت‌های مرتبط با محیط دیجیتال آموزشی هموار کرده و دورنمایی از جایگاه فعلی و پیش روی محیط دیجیتال و تأثیر آن در یاددهی و یادگیری به نمایش گذارد. به نظر می‌رسد، در گام بعدی، آنچه که قابل تأمل و واکاوی است، نوع بازنمودهای اجتماعی آموزگاران به محیط دیجیتال و بهره‌گیری آنان از این محیط در کلاس درس است. آیا معلمان، خود واقف به کاربردهای آموزشی

محیط دیجیتال بوده و بستر فکری و اجرایی کافی را برای دانشجویان در جهت استفاده بهینه علمی از این محیط، خصوصاً در کلاس درس فراهم می‌کنند؟

کتابنامه

- ام. باترو، آنتونیو؛ دهنام، جی. (۱۳۸۴). آموزش پرورش دیجیتالی: تأکید بر آموزش از راه دور. ترجمه حمیدرضا یاسبان رضوی. مشهد: ترانه.
- بدرقه، علی. (۱۳۸۵). *تکنولوژی‌های آموزشی*. گرمسار: دانشگاه آزاد.
- پلارد، ای، هیلک، جی. (۱۳۸۸). *یادگیری الکترونیکی*. ترجمه سید رسول عمادی. تهران: سپهر دانش.
- زنگنه، حسین. (۱۳۸۹). *مبانی نظری و عملی تکنولوژی‌های آموزشی*. تهران: آوای نور.
- زوارکی، اسماعیل؛ قاسم تبار، عبدالله؛ مؤمنی راد، اکبر. (۱۳۹۲). *مبانی نظری و عملی کاربرد اینترنت در فرآیند یادگیری*. تهران: آوای نور.
- فردانش، هاشم. (۱۳۸۷). *مبانی نظری تکنولوژی‌های آموزشی*. تهران: سمت.

- BANGOU, Francis. (2006). « Intégration des TICE et apprentissage de l'enseignement: une approche systémique ». *Alsic*, n°9, 10, pp. 145-160.
- CAVALLO, Pina Boggi, IANNACCONE, Antonio. (1993). *Représentations sociales et construction des connaissances*. *Università di Salerno*. 2, n°3, pp. 1-150.
- DROUI, Mohamed, et EL HAJJAMI, Abdelkrim et AHAJI, Khalid. (2015). «Apprentissage mobile ou M-Learning: opportunités et défis». *EPI*, Tiré de <http://www.epi.asso.fr/revue/articles/a1305d.htm>, 2015/04/01.
- DUQUETTE, Lise. (2002). « Analyse de données en apprentissage d'une L2 en situation d'autonomie dans un environnement multimédia ». *Alsic*, 5, n°1, pp. 33-53.
- FLAMENT, Claude. (2003). *Méthodes d'étude des représentations sociales*. Paris : ERES.
- HADI, Mandana. (2013). *La place d'Internet dans la didactique du FLE*. mémoire de master. Université de Tarbiat Modarres, Téhéran : Tarbiat Modarres.
- HO, Minh-Hung. (2014). « Le numérique éducatif: un portrait européen ». *DEPP*, 4, n°14, pp. 55-60.
- KARSEN, Thierry, COLLIN, Simon. (2012). *Benefits and challenges of using laptops in primary and secondary school*. Montréal : CRIFPE.
- KARSENTI, Thierry, FIEVEZ, Aurelien. (2013). *L'iPad à l'école: usages, avantages et défis : résultats d'une enquête auprès de 6057 élèves et 302 enseignants du Québec (Canada)*. Montréal : CRIFPE.
- MANGENOT, François. (1998). « Classification des apports d'Internet à l'apprentissage des langues ». *Alsic*. 1, 2, pp. 133-146.

- MIAN, Bi Séhi Antoine. (2012). « L'apprentissage mobile en formation initiale des enseignants à l'ENS d'Abidjan ». *frantice.net*, 21, n°5, pp. 63-72.
- NARCY-COMBES, Marie-Françoise. (2005). *Précis de didactique : Devenir professeur de langue*. Paris : Ellipses Edition Marketing S.A.
- WAGNER, Ellen.D. (2005). « Enabling Mobile Learning». *EDUCAUSE Review*, 40(3), pp. 40-53.